



18 دسمبر 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

«میان حکومت مرکزی کابل و حکومت محلی بلخ چه جریان دارد؟»

عنوان فوق مقاله تحلیلی و بسیار واقع بینانه است که بقلم محترم محمد عارف منصوروی نوشته شده و چند ساعت قبل در صفحه فیسبوک ایشان به نشر رسیده است. از آنجائیکه در این اواخر بیش از هر وقت دیگر موقوف آقای عطا محمد نور والی بلخ و درعین زمان رئیس اجرائیه حزب جمعیت اسلامی در سر دو راهی سرنوشت ساز در حیات سیاسی او قرار گرفته است، لذا این موقف متضاد یعنی از یکطرف جزء حکومت و از طرف دیگر جناح مخالف یعنی اپوزیسیون حکومت بیک معمای بغرنج و درد سر نه تنها برای خود او، بلکه برای حزب جمعیت و نیز برای حکومت مبدل شده است.

آقای محمّد عارف منصوروی کوشیده تا زوایای مختلف این معضله را به بررسی گرفته و سمت و سوی آنرا شرح دهد و وقتی نوشته شانرا خواندم، لازم دانستم تا آنرا باز نشر کرده و خدمت علاقمندان موضوع از طریق پورتال وزین افغان جرمن آنلاین تقدیم دارم. به نظر آقای منصوروی فقط دو راه برای آقای عطا محمد نور وجود دارد: یکی اینکه استعفی دهد و بجایش یک نفر معتمد او به حیث والی مقرر شود و دیگر اینکه فشارهای نظامی دولت ادامه کار او را با خطر مواجه خواهد ساخت. گمان نمیرود که حکومت وحدت ملی حاضر باشد برای او چند ماه دیگر مجال تفکر دهد تا تصمیمش را اعلام دارد. اینک شما و این هم مقاله دلچسپ آقای عارف منصوروی منتشره فیسبوک:

«اخیراً روابط میان سران حکومت وحدت ملی و والی بلخ به تیره گی مضاعفی گرائیده است و خبرهای ضد و نقیصی از سوی هواداران دو طرف در شبکه های اجتماعی پخش می شود.

سؤال اصلی اینست که حقیقت وضعیت کنونی چگونه است و آینده چطور شکل خواهد گرفت؟

در دوران ریاست جمهوری حامد کرزی که تمامی فعل و انفعالات و زد و بند های سیاسی در پایتخت متمرکز بود. عطاء محمد نور با اغتنام از فرصت پایه های حکومت قدرتمند محلی را در شمال طوری پایه گذاری نمود که برخی از روی مبالغه او را امپراطور شمال می نامیدند. او از حامیان پر و پا قرص عبدالله عبدالله در انتخابات اخیر بود. اما با عدم توفیق تیم سیاسی اش در احراز مقام ریاست جمهوری و وارد شدن فشارها از سوی تیم رقیب مبنی به برکناری وی از ولایت بلخ، بتدریج روابطش با متحد و دوست سیاسی اش یعنی رئیس اجرائیه بسردی گرائید. نور تصمیم گرفت تا با گردآوردن حلقه ی از قوماندانان جهادی بمحور خود، مستقلانه عمل نماید و شخصاً وارد بازی های سیاسی شود. او برای رسیدن به این هدف نیاز داشت تا داکتر عبدالله را بعنوان سیاست پیشه ی ضعیف، مصلحت اندیش و راحت طلبی که قاطعیت، جسارت و کفایت لازم را در رهبری ندارد، در جغرافیای اجتماعی مشترک شان معرفی نماید. که با درنظر داشت محدودیت و معذوریت های داخلی و خارجی رئیس اجرائیه چندان دور از واقعیت هم نبود.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

تیم ارگ با درک حساسیت روابط عبدالله و نور، قضیه را سرعت بخشیده با مسدود نمودن حسابات بانکی و اعمال محدودیت در گردش سرمایه های شخصی والی بلخ، خواسته یا ناخواسته پای او را ظاهراً به مذاکره اما در اصل به معامله با ارگ گشودند و شگاف اختلاف او و رئیس اجرائیه را عمیقتر ساختند. نور که تجربه کافی معامله با گرگان باران دیده ی ارگ را نداشت، در این مرحله با دریافت وعده های سر خرمن ارگ، دو اشتباه فاحش را مرتکب شد. یکی ارائه ی کتبی استعفاء نامه اش از مقام ولایت بلخ که تصور می کرد به سمت ها و امتیازات بالاتر و بیشتری خواهد رسید و دیگری نقد کوچه بازاری و عوام پسند داکتر عبدالله بود که برای کسب اعتبار نزد ارگ تصور می شد. با این کار جمعی از مجاهدین و هوادارانش را متماثل تر بخود نموده اما اعتبارش را نزد بسیاری از دست داد. و در قالب يك قوماندان معامله گری ظاهر گردید که فریب ارگ را خورده بود. سرانجام توافقاتش با ارگ به دلایل معین و مشخصی عقیم مانده به ثمر ننشست.

در گام بعدی دست به ابتکار خطر ناکتری زد و در تبنانی با جنرال دوستم و محقق ائتلاف نجات را در انقره تأسیس نمود. او اینبار با کسانی متحد شده بود که نه تنها نقش عملی و مهمی در تصمیمگیری ها نداشتند بلکه یکی تحت فشار ارگ و دیگری در اختیار سپیدار بود که حیثیت دست های شکسته ی را داشتند که آویزه ی کردن والی بلخ شده بود. سرانجام دو ضلع ائتلاف با تهدید ها و تطمیع های ارگ و سپیدار خود را عقب کشیده، نور وسط میدان مخالفت با حکومت، تگ و تنها ماند.

در مرحله ی سوم و بروز تنش میان درانی ها و غلجایی ها، حامد کرزی از طریق حواریونش نظیر، همایون همایون، ظاهر قدیر، جنرال عبدالرازق و جمعی دیگر، والی بی قرار بلخ را تحت تلقین غیر مستقیم قرار داده، مقدمات نشست قندهار را پیریزی نمودند. که با مخالفت شدید ارگ و ممانعت از پرواز والی بلخ به قندهار به بن بست کشید.

در تداوم این وضعیت و برای بیرون رفت از تنگنای ایجاد شده، دو اقدام ناصوابی انجام داد که عزم دولت و حامیان خارجی اش را جزم نمود تا او را از ولایت بلخ برکنار نمایند. یکی تماس با روسها و ایرانی ها و دیگری ایجاد مانع در اکمالات نیروهای ناتو از بندر حیرتان است که با پیشکش نمودن مطالبات ناموجه، موجب عصبانیت فرماندهی ناتو در افغانستان شده است. ضمناً بطور تهدیدآمیزی در هرات، سران حکومت وحدت ملی را با زبان غیر مؤدبانه و بازاری، به کشیدن پطلون و تنبان شان هشدار داد که تلویحاً اشاره ی به سقوط نظام است.

در حال حاضر نه تنها سران حکومت وحدت ملی بلکه حامیان سیاسی و نظامی افغانستان هم متفق القول اند که والی بلخ قصد براندازی حکومت را دارد و باید تضعیف شده از سمتش کنار رود. این موضوع ایست که در نشست اخیر رئیس اجرائیه و والی بلخ مطرح شده که از سوی نور رد گردید. ریس اجرائیه با تشریح اوضاع کلی و انگشت گذاشتن به خطاها و اشتباهات نور از وی خواست تا داو طلبانه از مقامش کنار رود و یکی از نزدیکانش را به این سمت معرفی نماید. با تعلل وی در این امر، یکبار دیگر در روزهای اخیر صلاح الدین ربانی نزد وی در مزارشریف فرستاده شد تا او را به این امر قانع سازد. ضمناً ارگ دست به يك سلسله مانور های نظامی هم در شمال زده تا به نور تفهیم نماید که در صورت مقاومت، گزینه ی فشار نظامی را هم روی میز دارند.

با انکشاف اینگونه ی اوضاع، فقط دو راه فرا راه والی بلخ قرار دارد:

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

- یکی حاضر شدن به استعفاء و معرفی یکتن از هوادارانش که از فرهاد عظیمی و انجنیر داود نام برده میشود و اجماع کلی روی انجنیر داود بعنوان جاگزین آقای نور وجود دارد. که در این صورت قرار است رئیس جمهور شخصاً طی يك محفل بزرگ از خدمات والی بلخ قدر دانی نماید.

- دیگر اینکه در صورت مخالفت با تصمیم مشترك ارگ و سپیدار و کنار رفتن از مقام ولایت با فشار بیشتر و گزینه ی نظامی مواجه خواهد شد.

هرچند صلاح الدین ربانی و اکثریت قاطع سران جمعیت، چراغ سبزی مبنی بر کنار رفتن نور از ولایت بلخ به ارگ نشان داده اند. اما برای حفظ آبروی سیاسی شان ابراز نظر های تنش آلودی نموده اند که جدی نیست. صلاح الدین تهدید به مقاطعه با دولت و کنار رفتن از وزارت خارجه را مطرح نموده، احمد ضیاء مسعود، هشدار از به بحران رفتن کشور داده، حفیظ منصور و سایر کدر های جمعیت نیز در همین مایه ها، ابراز نظر نموده اند.

مهمتر از همه، آخرین ابراز نظر و تصمیم شخص عطاء محمد نور است که با اشاره ی ضمنی به کنار رفتنش، از حکومت تقاضای دو تا سه ماه مهلت برای استعفایش را نموده است. بعید نیست با این وقت کشی و مهلت خواستن، امیدوار به گشایشی در اوضاع و یا تغییر احتمالی در روابطش با حکومت باشد که زمینه ابقای مجددش را تضمین نماید. زیرا علیرغم وخامت ظاهری روابطش با ارگ، خبرهایی از مذاکرات مجدد و محرمانه اش در روز های اخیر با ارگ و بالواسطه ی کلیم الله نقیبی درز نموده است.

هر چند بسیاری از اقدامات والی بلخ در این مدت نه تنها منتج به نتایج مثبتی نشده و دستاوردی برای او نداشته بلکه روز تا روز او را در موقعیت دشوارتری قرار داده اما گفتنی است اینکه تحرکات عملی و انعطاف پذیری های سیاسی آقای نور به تناسب دیگر رهبران سیاسی کشور چشمگیر و غیر قابل مقایسه است. چنانکه حسادت رهبر تسلیم شده ی حزب اسلامی را برانگیخته تا پیوسته ارگ را با سخنان تحریک آمیزش، ترغیب به برکناری وی نماید.

رویهمرفته گذشت زمان و انکشاف اوضاع است که صحت و سقم این سخنان را محك خواهد زد و مشخص خواهد نمود، اوضاع چگونه شکل خواهد گرفت.» پایان